

بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی با رفتار دموکراتیک اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد در خانواده (مطالعه موردی: استان ایلام)

عبدالصباح قاسمی^۱

رضا فاضل^۲

حمید انصاری^۳

چکیده

سازمان‌های مردم‌نهاد نظام پنهان ارتقای سلامت جامعه به شمار می‌روند. این سازمان‌های داوطلب، مستقل از دولت و در عین غیرانتفاعی بودن در خدمت مردم هستند؛ به همین دلیل صدای مردم نامیده می‌شوند. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی با رفتار دموکراتیک اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد در خانواده در استان ایلام انجام شد. روش تحقیق، پیمایشی بود و جامعه آماری آن را اعضای متأهل سازمان‌های مردم‌نهاد استان ایلام با جمعیت ۵۲۵۰ نفر تشکیل می‌دادند. بر اساس فرمول کوکران ۳۸۱ نفر از اعضای سازمان‌ها به عنوان نمونه تعیین شد و با توجه به مشخصات جامعه، روش نمونه‌گیری در این پژوهش، خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب گردید. به منظور تعیین پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب حاصل برای تمامی بخش‌های پرسشنامه بالای ۸۰ درصد محاسبه گردید. یافته‌های تحقیق حاکی از رابطه مثبت و معنادار بین متغیرهای تحقیق؛ یعنی اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، جنسیت، وضعیت شغلی، مدت عضویت در سازمان‌های مردم‌نهاد، سن، خاستگاه (محل سکونت) و رفتار دموکراتیک در خانواده است و تنها بین متغیر تحصیلات و رفتار دموکراتیک، به جهت داشتن بار معنایی منفی بعضی از گویه‌ها، ارتباط منفی و معناداری وجود دارد. **واژگان کلیدی:** سازمان‌های مردم‌نهاد، رفتار دموکراتیک، اعتماد، مشارکت.

مقدمه و بیان مسئله

سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان سازمان‌های غیررسمی در هر نظام اجتماعی، با هدف جلب مشارکت مردمی در تعیین سرنوشت خود از طریق توانمندسازی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی می‌توانند نقش مؤثری ایفا کنند. مشارکت چنین سازمان‌هایی در توسعه اجتماع محور به عنوان سازمانی داوطلبانه و غیرانتفاعی، حکایت از پیدایش تمرکززدایی، تفویض اختیار در سطح تصمیم‌گیری و مدیریت محلی دارد که در نهایت به حذف دیوانسالاری ملی می‌انجامد (فیروزآبادی و جعفری، ۱۳۹۵: ۱۵۴). اهمیت سازمان‌های مردم‌نهاد در این است که افراد با رغبت جهت مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی در آن عضو می‌شوند. امروزه با توجه به بروز رفتارهای خشونت‌آمیز در جامعه و خانواده، یکی از مباحث مهم جامعه‌شناسی توجه به دوام و فروپاشی خانواده می‌باشد. با وجود دگرگونی‌های فراوان در عصر صنعتی شدن و اصالت یافتن فردگرایی و لذتجویی، نخستین نهادی که تحت تأثیر قرار گرفته خانواده است. در نتیجه تحولاتی چون افزایش روزافزون تحصیلات، ارتباطات رسانه‌ای و اینترنتی و آگاهی سیاسی و اجتماعی شاهد گسترش روزافزون سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران هستیم. (قراملکی احد، ۱۳۸۸: ۶۲). بستر اصلی فعالیت این سازمان‌ها ارزشمندی تعاون و همیاری، خیرخواهی و نیکوکاری و هدایت حرفه‌های مختلف بوده و آموزه‌های دینی در قرآن و روایات زمینه‌ساز عمده ترغیب تشکل‌های غیررسمی و غیرانتفاعی در دوره‌های اخیر به شمار می‌رفته است. سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران باستان سابقه‌ای دیرینه دارد و فعالیت‌های انجمن‌های سلفی در دوره جدید توانست ایران را از بحران مغول عبور دهد (نمازی، ۱۳۸۶: ۵۸).

خانواده، نهادی است که از جایگاه رفیعی در حیات اجتماعی برخوردار است؛ چراکه از یک سو، نخستین گروهی است که از آن برمی‌خیزیم و در آن با دنیا آشنا می‌شویم و از سوی دیگر، بیشترین تأثیر را بر کودک در دوران اولیه حیات می‌گذارد و این تأثیر تا پایان حیات پایایی دارد. ضمن آنکه هرگز جامعه‌ای از روزه حیات اجتماعی به سلامت دست نمی‌یابد، مگر آنکه از خانواده‌هایی سالم برخوردار باشد. افرادی فعال در اجتماع، با توجه به نوع تربیت خانوادگی حضور متفاوتی در عرصه‌های مشارکتی دارند که نشان‌دهنده جایگاه تأثیرگذار

خانواده در این مقوله است؛ لذا روابط افراد در درون خانواده‌ها بر نگرش آنها تأثیر می‌گذارد (ساروخانی و دودمان، ۱۳۸۹: ۱۰۸). گیدنز در نمایی کلی، ویژگی‌های خانواده دموکراتیک را چنین برمی‌شمارد: «برابری عاطفی و جنسی، حقوق و مسئولیت‌های متقابل در روابط، انجام وظایف مشترک پدری و مادری، قراردادهای مادام‌العمر میان والدین و فرزندان، اقتدار توافق‌شده نسبت به کودکان، تعهدات کودکان نسبت به پدر و مادر و خانواده از نظر اجتماعی ادغام‌شده؛ بنابراین با توجه به اینکه نهاد خانواده در ایران سنتی و پدرسالانه است، سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان بخشی از جامعه مدنی در ایجاد رفتار دموکراتیک در خانواده تأثیرگذارند و افرادی که در NGOها عضویت دارند، بر اساس آموخته‌های مدنی و فرهنگی، رفتار دموکراتیک را یاد خواهند گرفت» (گیدنز، ۱۳۸۷: ۳۲۵). اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی از مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی هستند؛ اعتماد اجتماعی اولین جزء سرمایه اجتماعی است که به نوع ارتباط بین افراد مربوط می‌شود (موسوی، ۱۳۸۵: ۷۵) و حافظ نظم و یکپارچگی اجتماعی است. بدون وجود درجه‌ای از اعتماد میان کنشگران، بقا و دوام نظام اجتماعی در چارچوبی مطلوب و منسجم مقدور نیست؛ از این رو، انسجام و یکپارچگی جامعه و گروه‌های اجتماعی تا حد زیادی به میزان اعتمادی وابسته است که در میان کنشگران اجتماعی وجود دارد (شارع‌پور، ۱۳۸۰: ۱۰۴). از نظر زتومکا، فرهنگ اعتماد، بیش از هر نظام سیاسی دیگر، در نظام دموکراتیک محقق می‌گردد و در این نظام عمدتاً بر پایه دو معیار «پاسخگویی» و «تعهد و التزام پیشین» بنیان گذاشته می‌شود. می‌توان مشارکت اجتماعی را نیز نوعی کنش هدفمند در فرایند تعاملی بین کنشگر و محیط اجتماعی او در جهت نیل به اهداف معین و از پیش تعیین‌شده تعریف کرد؛ فرایندی که در آن، افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن اهداف مشخص که به سهم شدن آنها در منابع اجتماعی منجر می‌شود، شرکت می‌کنند. نمود عینی چنین مشارکتی، نهادهای مشارکتی همچون: انجمن‌ها، گروه‌ها، سازمان‌های غیردولتی و ... هستند (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴: ۶۸)؛ بنابراین می‌توان گفت که اعتماد نتیجه کنش‌های اجتماعی موجود در گروه‌ها، انجمن‌ها و فعالیت‌های اجتماعی است؛ از این رو می‌توان آن را یکی از عناصر مهم و حیاتی در امر مشارکت تلقی کرد. اعتماد اجتماعی از آن جهت

مهم است که با بسیاری از متغیرهای موجود در جامعه مدنی از جمله مشارکت، همبستگی دارد. مشارکت اجتماعی و عضویت افراد خانواده در سازمان‌های غیردولتی و انجمن‌های داوطلبانه از جمله پیامدهایی هستند که می‌توان انتظار داشت در شرایط وجود اعتماد اجتماعی بالا، زمینه مناسبتری برای تحقق پیدا کنند. اگر این اعتماد از حد فردی به سطح اجتماعی انتقال یابد، سرمایه‌ای با ارزش تلقی می‌شود که موجب پایین آمدن هزینه برهم کنش‌های اجتماعی و اقتصادی و اقدامات مرتبط با آن می‌گردد (علی‌پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۰). معیارهای دموکراسی در خانواده به طرز شگفت‌انگیزی به معیارهای دموکراسی در جامعه نزدیک هستند. دموکراتیزه کردن در زمینه خانواده به مفهوم برابری، احترام متقابل، استقلال، تصمیم‌گیری از طریق گفتگو و آزادی از خشونت است. با توجه به اینکه خانواده رکن اساسی جامعه مدنی است، بدون شک با سستی و گسست این نهاد، جامعه نمی‌تواند به رشد و بالندگی دست یابد؛ لذا به نظر می‌رسد وجود سازمان‌های مردم‌نهاد می‌تواند گامی مثبت در جهت کاهش آسیب‌های رفتاری در درون خانواده باشد؛ همچنین به نظر می‌رسد اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی نقش مثبتی در بروز رفتارهای دموکراتیک در خانواده داشته باشند؛ لذا در این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سؤال خواهیم بود که اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و عضویت در سازمان‌های مردم‌نهاد تا چه حدی می‌توانند زمینه‌ساز بروز رفتار دموکراتیک در خانواده (کانون پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی) باشند؟

فرضیه‌های پژوهش

- بین جنسیت اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد و رفتار دموکراتیک در خانواده ارتباط معنادار وجود دارد.
- بین میزان تحصیلات اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد و رفتار دموکراتیک در خانواده ارتباط معنادار وجود دارد.
- بین شغل اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد و رفتار دموکراتیک در خانواده ارتباط معنادار وجود دارد.
- بین مدت عضویت اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد و رفتار دموکراتیک در خانواده ارتباط معنادار وجود دارد.

- بین سن اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد و رفتار دموکراتیک در خانواده رابطه معنادار وجود دارد.
- بین خاستگاه (محل سکونت) اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد و رفتار دموکراتیک در خانواده ارتباط معنادار وجود دارد.
- بین میزان اعتماد اجتماعی اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد و رفتار دموکراتیک در خانواده رابطه معنادار وجود دارد.
- بین میزان مشارکت اجتماعی اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد و رفتار دموکراتیک در خانواده رابطه معنادار وجود دارد.

پیشینه تحقیق

عباسی اسفجیر و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه ساختار توزیع قدرت در خانواده و مشارکت اجتماعی (مطالعه موردی: شهروندان استان گلستان)» به این نتیجه دست یافتند که در خانواده‌های با ساختار متقارن (دموکراتیک)، مشارکت اجتماعی در هر دو بعد عینی و ذهنی رابطه مثبت و معنادار دارد؛ در حالی که در خانواده‌های با ساختار قدرت نامتقارن (استبدادی)، مشارکت اجتماعی در هر دو بعد عینی و ذهنی ارتباط منفی معناداری دارد.

وحیدا و نیازی (۱۳۸۳) در تحقیقی با عنوان «تأملی در مورد رابطه بین ساختار خانواده و مشارکت اجتماعی در شهر کاشان» به این نتایج دست یافتند که بین میزان اقناع‌گرایی و میزان استبدادگرایی خانواده با میزان مشارکت اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد و همبستگی بین دو متغیر مثبت است؛ یعنی با افزایش میزان اقناع‌گرایی خانواده، مشارکت اجتماعی نیز افزایش پیدا می‌کند؛ همچنین همبستگی بین میزان استبدادگرایی و میزان مشارکت اجتماعی منفی است؛ یعنی با افزایش میزان استبدادگرایی خانواده، میزان مشارکت اجتماعی کاهش می‌یابد.

زارع شاه‌آبادی و نوریان نجف (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان «بررسی اعتماد اجتماعی با مشارکت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه یزد» به این نتیجه دست یافتند که بین مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی ارتباط معناداری وجود دارد. این امر نشان داد که اگر اعتماد اجتماعی دانشجویان افزایش یابد، سطح مشارکت اجتماعی آنان نیز ارتقا می‌یابد.

حمدی آهنگ (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان «بررسی ساختار توزیع قدرت

در خانواده و تأثیر آن بر میزان مشارکت اجتماعی در مناطق روستایی و شهری آمل» به این نتیجه دست یافت که تفاوت میانگین مشارکت اجتماعی رسمی و غیررسمی در شهر و روستا و در بین متأهلان و مجردان معنادار است. میزان مشارکت اجتماعی رسمی در شهر بیشتر از روستاست و مردان بیشتر از زنان مشارکت اجتماعی از نوع رسمی دارند؛ همچنین میانگین مشارکت اجتماعی رسمی در بین مردان بیشتر از زنان است؛ در حالی که میانگین مشارکت اجتماعی غیررسمی در بین زنان و مردان، تفاوت معناداری ندارد. بین دموکراتیک بودن خانواده و استبدادگرا بودن خانواده با میزان مشارکت اجتماعی رسمی و غیررسمی رابطه معناداری وجود دارد. دموکراتیک بودن خانواده و نحوه اجتماعی شدن نیز به ترتیب، بیشترین تأثیر را بر مشارکت اجتماعی دارند.

میرزایی (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «عوامل مؤثر بر رفتارهای دموکراتیک شهروندان» به این نتیجه دست یافت که کارایی سیاسی، اهمیت مشارکت، دستیابی به نتیجه، الزام و تعهد شهروندی و دانش سیاسی از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر رفتار دموکراتیک شهروندان هستند.

کیاکجوری و افراسیابی (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان «مطالعه اعتماد اجتماعی و عوامل مرتبط با آن در میان دانشجویان» به این نتیجه دست یافتند که سطح اعتماد اجتماعی در بین دانشجویان، بالاتر از حد متوسط است؛ همچنین بین اعتماد اجتماعی و متغیرهای احساس امنیت، پیشرفت تحصیلی، سابقه تحصیلی، مشارکت اجتماعی و انحراف ارتباط معنادار وجود دارد.

آراسته و رزقی شیرسوار (۱۳۸۸) میزان اعتماد اجتماعی و عوامل مرتبط با آن را در میان دانشجویان دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران بررسی کردند. نتایج تحقیق آنان نشان داد که سطح مؤلفه‌های سهیم شدن، حسن ظن و همکاری در میان دانشجویان ضعیف است و سطح مؤلفه‌های صراحت، دموکراتیک بودن روابط چهره به چهره، صداقت، دیگرخواهی، پاسخگویی و مسئولیت و شفافیت در عملکرد، در حد مطلوب قرار دارد.

رایسرا^۱ و همکاران (۲۰۰۱) در تحقیقی با عنوان «رابطه بین اعتماد تعمیم یافته با رشد اقتصادی» به این نتیجه دست یافتند که هرچه اعتماد تعمیم یافته بیشتر

1. Raiser

باشد، مشارکت مدنی هم بیشتر می‌شود. اعتماد و مشارکت هم بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارند.

آندرین^۱ (۱۹۸۵) و گمسون^۲ (۱۹۸۷) با الهام از دیدگاه دارندروف معتقدند که در جوامع جهان سوم که از پتانسیل و ظرفیت تنش‌زای بالایی برخوردار است، ایجاد نهادها، سازمان‌های واسط و مشارکت‌جو مثل تشکل‌های مردمی، سازمان‌ها، انجمن‌ها و احزاب و شوراهای محلی می‌تواند از بروز تضادهای انباشته‌شده و افسارگسیخته در جامعه جلوگیری کند و علاوه بر آن، علاقه و گرایش آحاد جامعه را به شرکت در امور سیاسی - اجتماعی تقویت نماید و از طریق آن تعارضات فشرده و افسارگسیخته را به‌ویژه در میان قشر جوان مهار و کنترل کند.

سیکوگنانی^۳ و دیگران (۲۰۱۱) در تحقیقی با عنوان «تفاوت‌های جنسیتی در مشارکت و درگیری‌های سیاسی جوانان: نقش والدین و مشارکت اجتماعی و مدنی جوانان» به بررسی مشارکت اجتماعی و سیاسی جوانان به عنوان عاملی در توسعه سیاسی و اجتماعی با تأکید بر نقش جنسیت و نقش والدین پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که شکاف جنسیتی در جهت علایق سیاسی و استفاده از اینترنت برای مشارکت سیاسی تأثیر چندانی بر فعالیت سیاسی و علایق حزبی ندارد. مشارکت و درگیری سیاسی و اجتماعی جوانان (به‌ویژه در بین دختران) از مشارکت والدین‌شان و مشارکت مدنی و اجتماعی همسالان (به‌ویژه در بین پسران) تأثیر می‌پذیرد.

اسلانر و براون^۴ (۲۰۰۳) در پژوهشی با عنوان «نابرابری، اعتماد و مشارکت مدنی» با استفاده از داده‌های ایالتی آمریکا در دهه‌های ۱۹۷۰، ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به بررسی علل مشارکت افراد در اجتماعات مدنی پرداختند و به نتیجه رسیدند که نابرابری، موجب بی‌اعتمادی می‌شود و عمدتاً به صورت غیرمستقیم و از طریق اعتماد بر مشارکت اثر می‌گذارد. یافته‌های پژوهش آنان نشان داد که نابرابری، موجب کاهش اعتماد تعمیم‌یافته می‌شود و قویترین تعیین‌کننده آن است.

1. Andrain
2. Gomson
3. Cicognani
4. Uslaner & Brown

نقد و بررسی

جدول (۱). بررسی نقاط قوت و نقاط ضعف تحقیقات پیشین و مقایسه با تحقیق حاضر

تحقیقات پیشین	
<p>عباسی اسفجیر و همکاران (۱۳۹۵)، وحیدا و نیازی (۱۳۸۳)، زارع شاه‌آبادی و نوریان نجف (۱۳۹۱)، احمدی آهنگ (۱۳۹۱)، میرزایی (۱۳۹۵)، کیاکجوری و افراسیابی (۱۳۹۱)، آراسته و رزقی شیرسوار (۱۳۸۸)، رایسر و همکاران (۲۰۰۱)، آندریس (۱۹۸۵)، گمسون (۱۹۸۷)، سیکوگنانی و دیگران (۲۰۱۱) و اسلانر و براون (۲۰۰۳).</p> <p>- به نظر می‌رسد اینکه بروز رفتارها و نگرش‌های دموکراتیک در سه بعد ساختار توزیع قدرت در خانواده‌ها، دموکراتیک بودن خانواده و نحوه اجتماعی شدن فرزندان بر مشارکت اجتماعی افراد خانواده تأثیرگذار است، می‌تواند بهترین نقطه قوت پژوهش‌های عباسی اسفجیر و همکاران، وحیدا و همکاران و احمدی آهنگ باشد.</p> <p>- از آنجا که در تحقیقات زارع شاه‌آبادی و نوریان نجف (۱۳۹۱)، کیاکجوری و افراسیابی (۱۳۹۱)، آراسته و رزقی شیرسوار (۱۳۸۸)، رایسر و همکاران (۲۰۰۱)، سیکوگنانی و دیگران (۲۰۱۱) و اسلانر و براون (۲۰۰۳) به بررسی همزمان اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی که از ضروریات رفتار دموکراتیک در جامعه هستند، پرداخته شده است و آنها دریافته‌اند که هرچه اعتماد تعمیق یافته بیشتر باشد، مشارکت مدنی هم بیشتر می‌شود، گامی مثبت در جهت افزایش مشارکت اجتماعی برداشته شده است.</p> <p>- آندریس و گمسون در تحقیقات خویش به پتانسیل و ظرفیت تنش‌زایی بالای کشورهای جهان سوم اشاره کرده و ایجاد نهادها و سازمان‌های مردم‌نهاد و شوراهای محلی را در کنترل و جلوگیری از تنش‌ها مؤثر دانسته‌اند. به نظر می‌رسد کشورهای جهان سوم از ظرفیت مشارکت و تصمیم‌گیری‌های جمعی بسیار بالای ایلی قبیله‌ای برخوردار هستند که این عامل خود می‌تواند گام مثبتی در جهت کاهش تنش‌ها و آسیب‌های اجتماعی در بین جوامع باشد و اینکه دولت و نهادهای سیاسی می‌توانند زمینه‌های جذب و گرایش جوانان را به فعالیت‌های جمعی و مشارکت در امور اجتماعی فراهم آورند، می‌تواند گام بسیار مؤثری در زمینه کاهش تنش‌های اجتماعی باشد.</p>	نقاط قوت
<p>- از آن نظر که عباسی اسفجیر و همکاران، وحیدا و همکاران و احمدی آهنگ در تحقیقات خود، ساختار قدرت استبدادی را تنها عامل بازدارنده در راه رسیدن به مشارکت اجتماعی دانسته و از سایر عوامل چشم‌پوشی کرده‌اند می‌تواند از نقاط ضعف تحقیق آنان باشد.</p> <p>- در تحقیقات زارع شاه‌آبادی و نوریان نجف (۱۳۹۱)، کیاکجوری و افراسیابی (۱۳۹۱)، آراسته و رزقی شیرسوار (۱۳۸۸)، رایسر و همکاران (۲۰۰۱)، سیکوگنانی و دیگران (۲۰۱۱) و اسلانر و براون (۲۰۰۳) به بررسی تأثیر عوامل زمینه‌ای (سن، پایگاه اجتماعی- اقتصادی، محل سکونت و ...) در افزایش یا کاهش اعتماد و مشارکت اجتماعی، توجه نشده و نوع یافت منطقه مورد نظر در تحقیقات آنان مشخص نگردیده است.</p> <p>- آندریس و گمسون در تحقیق خود به نقش و کارآمدی اداری و میزان پاسخگویی به نیازهای شهروندان اشاره کرده و این عامل را به عامل فرهنگی و شرایط ویژه اقتصادی، اجتماعی متفاوت این حوزه نسبت داده‌اند. آنها به عوامل تأثیرگذار در بروز رفتارهای انسانی (تخصیلات، اشتغال، درآمد و ...) که می‌توانند مهمترین عوامل تأثیرگذار در بروز مشارکت‌های اجتماعی باشند، هیچگونه اشاره‌ای نکرده‌اند و تعاملی (عامل فرهنگی) دانستن کارآمدی و غیرکارآمدی حکومت‌های منطقه از نقاط ضعف تحقیق آنهاست.</p>	نقاط ضعف



نقاط قوت و ضعف (تهدیدها و فرصت‌ها) تحقیق حاضر را در مقایسه با تحقیقات پیشین که اکثراً از فقدان تناسب فرهنگی، ارتباطات ضعیف سازمانی، عدم اعتماد اجتماعی و ... بحث کرده‌اند، با نظر به بافت فرهنگی - قبیله‌ای و جو حاکم بر منطقه و جدی بودن فعالیت‌های بشردوستانه، می‌توان بدین گونه مطرح نمود: با عنایت به عنوان تحقیق و لزوم بررسی موضوع از نظر اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد (مرد و زن دارای همسر) قطعاً می‌توان گفت تعادل و توازن در پاسخگویی و مقایسه اختلاف یا اتفاق نظر بین اعضا گام مثبتی در تعمیم داده‌ها و عدالت توزیعی در اعلام نتایج تحقیق خواهد بود. در انجام تحقیق سعی شده است جهت صراحت بخشیدن به سؤالات تحقیق، برقراری رفتار دواستانه و مشارکت در امر پرسشنامه از مصاحبه‌گر بومی استفاده شود که این امر می‌تواند در پاسخگویی صادقانه مؤثر باشد. عدم حمایت و همراهی جدی بعضی از متولیان و مسئولان در حوزه سازمان‌های مردم‌نهاد؛ به‌ویژه در زمینه مساعدت به محققان و فعالان این حوزه، از نقاط ضعف در جمع‌آوری داده‌های تحقیق و زمانبر بودن آن است. عدم فعالیت‌های پژوهشی مشابه در سطح استان، کمبود و فقر منابع و کتب درسی در زمینه موضوع تحقیق از دیگر ضعف‌های پژوهش است که این خود باعث سرخوردگی محقق و اتلاف وقت و انرژی برای گردآوری منابع بود. در ذیل به طور کلی به نقاط قوت و ضعف در گردآوری مطالب و انجام تحقیق حاضر اشاره می‌شود:

مقایسه

تحقیق

حاضر با

پژوهش‌های

پیشین و

تفاوت آن با

آنها و جنبه

نوآوری

بودن آن

• نقاط مثبت

۱. بعضی از سازمان‌های مردم‌نهاد در سطح استان و در مقاطع زمانی مختلف و مناسبت‌های ویژه، به برگزاری کارگاه‌های تخصصی (به‌ویژه در حوزه مبارزه با مواد مخدر) اقدام می‌کنند که این امر ضمن ارتقای سطح آگاهی، تبادل تجربه و ایجاد انگیزه، زمینه مشارکت بین سازمان‌ها را فراهم می‌کند و فرصتی را به دست می‌دهد تا به جمع‌آوری اطلاعات برای انجام پژوهش پرداخت.
۲. وجود تعامل مستمر و همکاری کارشناسان ستادی حوزه مشارکت با کارشناسان استان و اعضای بعضی از سازمان‌ها، استفاده از فرصت پیش آمده، انعطاف‌پذیری جهت پاسخگویی و ارجاع به موقع به محل‌های ذیربط در خصوص موضوعات مرتبط، از جمله نقاط قوت است.
۳. تنوع و گستردگی حوزه فعالیت این سازمان‌ها باعث می‌شود که در صورت نگرتن پاسخ صحیح از یک حوزه بتوان به سایر حوزه‌های مرتبط و دیگر سازمان‌ها مراجعه نمود.

• نقاط ضعف

۱. عدم اقدام عملی بعضی از حوزه‌ها در مناطق آسیب‌دیده و حاشیه‌نشین و ضعف در گردآوری مطالب مورد نیاز تحقیق؛
۲. عدم ارائه اطلاعات لازم در بعضی از سازمان‌ها از سوی مسئولان و اعضا، به جهت حساسیت بیش از حد و تفاوت دیدگاه در زمینه پژوهش؛
۳. وابستگی بیش از حد سازمان‌های مردم‌نهاد به مؤسسان و سازمان‌های ارائه‌دهنده مجوز پروانه‌ساخت و عدم استقلال جهت پاسخگویی به سؤالات تحقیق و ممانعت از ارائه اطلاعات لازم.

مبانی نظری پژوهش

اغلب نظریه‌ها رابطه متغیرهای تحقیق را کمابیش تحلیل کرده‌اند؛ اما ضمن وجود امتیازات ویژه در هر یک از آنها، به باور ما هیچکدام از آن نظریه‌ها به اندازه نظریه اجیل پارسونز که کنش اجتماعی را مد نظر قرار داده است، به طور جامع قادر به تبیین رابطه متغیرها نیستند؛ از این رو، در این پژوهش سعی شده است با محور قرار دادن این نظریه‌ها، فرضیه‌های مورد بحث با الهام از مدل اجیل پارسونز مورد سنجش تجربی قرار گیرد.

تالکوت پارسونز موضوع مطالعه جامعه‌شناسی را کنش اجتماعی می‌داند (روشه، ۱۳۷۶: ۹۲). از دیدگاه او کنشگران اجتماعی فقط اشخاص نیستند؛ بلکه گروه‌های اجتماعی، اجتماعات محلی و غیره نیز هستند؛ بنابراین می‌توان کنش پارسونزی را در همه سطوح و واقعیت‌های اجتماعی به کار برد.

به نظر او هر جامعه به مثابه یک نظام اجتماعی کل است که در دو محیط اجتماعی و مادی تقسیم‌بندی شده است؛ محیط اجتماعی شامل سه خرده‌نظام فرهنگی، اجتماعی و شخصیتی است و محیط مادی به خرده‌نظام اندام‌واره مربوط می‌شود. این چهار خرده‌نظام با وجود اینکه در تعامل مستمر و متقابل با هم هستند و انرژی و اطلاعات را به هم می‌رسانند؛ اما وظایف متفاوتی را دنبال می‌کنند. محیط فرهنگی، ارزشها و هنجارها؛ محیط اجتماعی، کنشگران و تعامل آنها؛ محیط شخصیتی، اهداف مورد نظر کنشگر و محیط مادی، انرژی نظام را در بر می‌گیرد (قاسمی و رضایی، ۱۳۹۳: ۱۶).

از تعامل کنشگران با استعانت از نظام فرهنگی پدیده نهادینه‌شدن شکل می‌گیرد؛ آنگاه با ملکه ذهن شدن قواعد جامعه (که در اینجا شناخت رفتار دموکراتیک و میزان دارا بودن اعضای سازمان‌ها از اینگونه رفتارها)، شکل‌گیری شخصیت در معنای عام آن در بین کنشگران محقق می‌شود؛ سپس در تعامل خرده‌سیستم‌ها، برونداد شخصیتی شکل می‌گیرد که این برونداد از دو حالت خارج نیست: یا این قواعد جامعه ملکه ذهن شده است و افراد رفتار دموکراتیک دارند یا اینکه این قواعد هنوز ملکه ذهن نشده‌اند؛ در صورت ملکه ذهن شدن این قواعد (دموکراتیک بودن) دو نوع رفتار در خانواده شکل خواهد گرفت: یک رفتار مربوط به آن فرد از خانواده است که عضو سازمان می‌باشد و دیگری

مربوط سایر اعضای خانواده (به ویژه همسر) است که باید مطابق شاخصه‌های رفتار دموکراتیک عمل نمایند؛ یعنی چنانچه اعضای سازمان شاخص‌های دموکراتیک بودن، از جمله: تعامل، مشارکت، قانونگرایی، عدم خشونت، اعتماد اجتماعی، آزاداندیشی و ... را رعایت کنند، اعضای خانواده نیز از آگاهی لازم جهت شناخت این رفتارها و تعامل لازم در زندگی برخوردار باشند و آنها را در زندگی اعمال نمایند، می‌توان شاهد دموکراتیک بودن رفتار اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد به معنی واقعی و موفقیت این سازمان‌ها بود.

گود^۱ (۱۹۹۰: ۱۲۱) معتقد است که انسان باید مهارت‌های اجتماعی و آداب و رسوم ویژه‌ای را یاد بگیرد. خانواده نیز وظیفه دارد آنچه را که جامعه از نسل جوان تقاضا می‌کند، به کودک یاد دهد و آنچه والدین به فرزندان خود یاد بدهند، همان چیزی است که جامعه آنها را برای رفتار یک فرد بزرگسال در آینده کافی می‌داند. او در توضیح عوامل مهم اجتماعی کردن بر نقش والدین تأکید زیادی دارد و معتقد است در صورت عمل به هفت وظیفه اساسی قادر خواهند بود تأثیر بسزایی بر اجتماعی شدن فرزندان داشته باشند. این وظایف عبارتند از: (۱) گرمی و محبت و پرورش؛ (۲) همانندسازی؛ (۳) اقتدار شناخته شده؛ (۴) پایداری؛ (۵) آزادی؛ (۶) برقراری ارتباط با ارائه توضیح و دلیل؛ (۷) مجازات. به اعتقاد کالینز، اصطلاح قدرت در خانواده اغلب به این صورت بررسی شده است که چه کسی بیشترین تأثیر را بر تصمیمات خانواده می‌گذارد؟ به اعتقاد وی اغلب افرادی که در سازمان‌های بیرونی مشارکت دارند و برخی از زنانی که در سازمان‌های مدنی، کلوپ‌ها، کلیساها یا دیگر سازمان‌ها مشارکت فعالی دارند، در خانه نیز از قدرت بیشتری برخوردارند (کولتران و کولینز^۲، ۲۰۰۱: ۱۹۸). از نظر گیدنز، قابلیت اعتماد بر دو نوع است: یکی، قابلیت اعتماد میان افرادی است که خوب همدیگر را می‌شناسند و بر مبنای آن آشنایی طولانی برقرار می‌کنند؛ این افراد صلاحیت لازم را برای قابل اعتماد بودن به همدیگر ثابت کرده‌اند؛ دیگری، قابلیت اعتماد بر مبنای مکانیسم‌های ازجاکننده است که در اینجا نیز اعتمادپذیری عامل مهمی است. در برخی مقتضیات نظام‌های

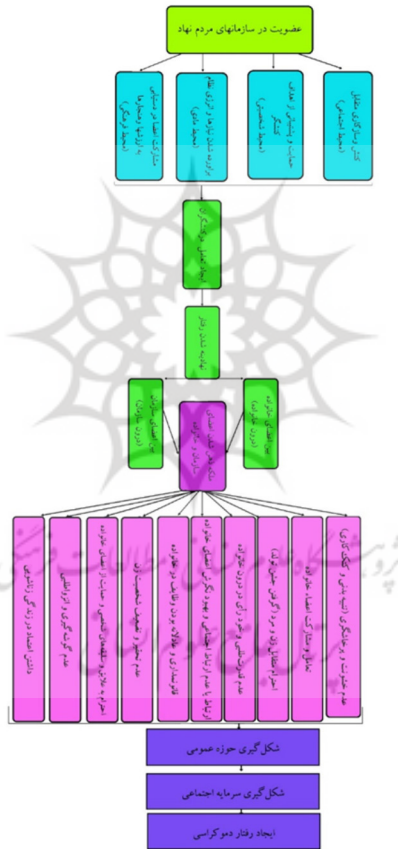
1. Sharma

2. Sharma

انتزاعی به هرگونه روبه‌رویی با افراد یا گروه‌هایی که به نوعی مسئول این نظام‌ها هستند، نیازی نیست؛ اما در بیشتر موارد چنین افراد یا گروه‌هایی دخالت دارند. گیدنز در اینجا نقاط دسترسی نظام‌های انتزاعی را مطرح می‌کند. این نقاط، زمینه بر خورد پایندی‌های چهره‌دار و بی‌چهره را فراهم می‌سازند (گیدنز، ۱۳۸۰: ۱۲۰). از نظر پاتنام ارتباط مشارکت و اعتماد، خطی نیست؛ بلکه وی به رابطه متقابل بین این عوامل توجه دارد. «اعتماد اجتماعی، هنجارهای معامله متقابل، شبکه‌های مشارکت مدنی و همکاری موفقیت‌آمیز، یکدیگر را تقویت می‌کنند. وجود نهادهای همکاری جویانه کارآمد، مستلزم مهارت‌ها و اعتماد بین اشخاص است؛ اما آن مهارت‌ها و این اعتماد نیز به نوبه خود به وسیله همکاری سازمان‌یافته تلقین و تقویت می‌شوند. هنجارها و شبکه‌های اجتماعی مدنی، به رفاه اقتصادی- اجتماعی کمک می‌کنند و به نوبه خود نیز توسط این رفاه تقویت می‌شوند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۲). پاتنام همچنین معتقد است که تلویزیون با اختصاص دادن اوقات فراغت افراد به خود عملاً مشارکت اجتماعی و ارتباطات اجتماعی آنان را کاهش می‌دهد و از آنجا که بین میزان مشارکت مدنی و اعتماد اجتماعی ارتباط متقابل وجود دارد، با کاهش میزان مشارکت مدنی از میزان اعتماد اجتماعی آنان نیز کاسته می‌شود (شاه، ۱۹۹۸: ۴۷۴).

در یک جمع‌بندی کلی از چارچوب نظری می‌توان گفت چنانچه اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد در یک نظام کنشی، کنش و ارتباط متقابل (محیط اجتماعی) داشته باشند، از اهداف کنشگر (محیط شخصیتی) حمایت و پشتیبانی صورت گیرد، نیازها و انرژی سازمان (محیط مادی) تأمین شود و اعضا بتوانند در دستیابی به ارزش‌ها و هنجارها (محیط فرهنگی) مشارکت داشته باشند و این عوامل بتوانند زمینه تعامل و سازگاری درون‌سازمانی را ایجاد کنند و رفتارها نهادینه و ملکه ذهن اعضای سازمان و سایر اعضای خانواده شود؛ به طوری که از رهگذر این رفتارهای ذهنی، تعامل و مشارکت، قانون‌گرایی و عادلانه بودن وظایف و وظیفه‌شناسی، عدم خشونت فیزیکی و روانی، افزایش حمایت‌های خانوادگی و احترام متقابل به علایق و سلیقه‌های شخصی، اعتماد اجتماعی، افزایش فرصت‌های شغلی و بهبود شرایط و شانس زندگی، رضایت روانی و ابزاری (مادی) از زندگی، ارتباط اجتماعی، عدم انزوای طلبی و گوشه‌گیری و بهبود

نگرش نسبت به توانایی و شایستگی خویش، عدم قدرت طلبی و خودرایی، آزاداندیشی و قدرت تصمیم‌گیری، عدم تحقیر و تضعیف شخصیت اعضای خانواده تحت تأثیر متغیرهای مورد نظر در پژوهش حاضر (مدت عضویت، شغل، جنسیت، سن، تحصیلات و خاستگاه یا محل تولد) در درون خانواده شکل گیرند و این امر باعث شکل‌گیری سرمایه اجتماعی (حوزه عمومی هابرماس) و استقلال و رشد زیست جهان در جامعه و در افراد شود؛ در این صورت می‌توان شاهد رفتار دموکراتیک در خانواده (به‌ویژه بین همسران) بود.



مدل تحلیلی پژوهش

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق به شیوه پیمایش مقطعی (Cross Sectional) اجرا شده است.

با عنایت به موضوع تحقیق، جامعه آماری شامل کلیه زنان و مردان متأهل عضو سازمان‌های مردم‌نهاد در سطح استان ایلام به تعداد ۵۲۵۰ نفر می‌باشد؛ بدین منظور از کل سازمان‌های مذکور (۴۰۰ مورد)، تعداد ۱۰۰ سازمان و از هر سازمان برای مرکز استان با عنایت به اینکه در حدود نیمی از جمعیت جامعه آماری در این سازمان‌ها عضویت دارند، تعداد ۶ نفر (یا به عبارتی برای جمعیت بالای ۱۰ نفر تعداد ۶ نفر و جمعیت پایین‌تر از ۱۰ نفر تعداد ۳ نفر) به عنوان نمونه انتخاب شد. برای سایر مراکز و شهرستانهای تابع نیز به ازای هر سازمان و مرکز، تعداد ۳ نفر به نسبت جمعیت حوزه‌ها (زن و مرد ناشی از حاصل جمع تعداد نفرات هر سازمان بر تعداد زن و مرد به تفکیک) به عنوان نمونه نهایی جهت پاسخگویی به سؤالات تحقیق انتخاب گردید. شایان ذکر است که سازمان‌های بعضی از شهرستان‌ها به جهت کم بودن تعداد سازمان و اعضای آنان ادغام شدند (جدول ۲)؛ یعنی مطابق جدول ذیل، از ۴۰۰ سازمان در سطح استان، تعداد ۱۰۰ سازمان و از هر سازمان، ۶ نفر برای مرکز استان و ۳ نفر برای سایر مراکز و شهرستان‌ها به عنوان نمونه نهایی انتخاب گردید و اطلاعات لازم با ابزار پرسشنامه به صورت مصاحبه شخصی گردآوری شد. پرسشنامه مورد استفاده در این تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته بود که ۸ سؤال دموگرافیک، ۲۸ سؤال تخصصی رفتار دموکراتیک، ۱۰ سؤال اعتماد اجتماعی و ۱۰ سؤال مشارکت اجتماعی (کاملاً مخالف، مخالف، نظری ندارم، موافق، کاملاً موافق) را شامل می‌شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول (۲). نحوه انتخاب نمونه آماری به تفکیک جنسیت

مجموع	تعداد اعضای نمونه		تعداد سازمان نمونه	تعداد کل اعضا		تعداد کل سازمان	شهرستان
	مرد	زن		مرد	زن		
۱۶۸	۶۴	۱۰۴	۲۸	۱۵۷۲	۹۶۸	۱۱۵	استانداری ایلام
۴۵	۲۱	۲۴	۱۵	۲۴۴	۱۹۳	۵۹	فرمانداری ایلام
۳۳	۱۲	۲۱	۱۱	۱۲۹	۸۵	۴۵	فرمانداری دهلران
۲۷	۵	۲۲	۹	۲۶۴	۶۴	۳۶	فرمانداری ایوان
۲۱	۱۲	۹	۷	۵۸	۷۵	۲۶	فرمانداری (دره شهر و بدره)
۱۲	۹	۳	۴	۶۶	۲۶۱	۱۳	فرمانداری آبدانان
۹	۱	۸	۳	۳۲	۳	۱۳	فرمانداری (مهران و ملکشاهی)
۶	۲	۴	۲	۱۶	۷	۸	فرمانداری (چرداول و سیروان)
۳۹	۱۶	۲۳	۱۳	۶۵۸	۴۲۳	۵۲	اداره کل ورزش جوانان
۲۴	۱۰	۱۴	۸	۸۵	۴۷	۳۳	سازمان بهزیستی
۳۸۴	۱۵۲	۲۳۲	۱۰۰	۳۱۲۴	۲۱۲۶	۴۰۰	مجموع

در این پژوهش به منظور تعیین حجم نمونه، فرمول کوکران که یکی از رایج‌ترین روش‌هاست در دستور کار قرار گرفت؛ لذا محاسبه حجم نمونه به شرح زیر خواهد بود:

$$n = \frac{Nt^2pq}{Nd^2t^2pq}$$

$$N = 1 \frac{5270 \times (1/96)^2 \times 0/5 \times 0/5}{5270 \times (0/05)^2 + (1/96)^2 \times 0/5 \times 0/5} = 381$$

جهت بررسی روایی آزمون از روش تحلیل عامل تأییدی و به منظور تعیین پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب حاصل برای تمامی بخش‌های پرسشنامه بالای ۰.۸۰ محاسبه گردید.

جدول (۳). میزان KMO و آزمون بارتلت

سطح معناداری	آزمون بارتلت	KMO
./۰۰۰۰	۷۰۰ / ۰۷	۰/۵۲۱

برای تعیین مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی از ضریب KMO و آزمون بارتلت استفاده شد. مقدار KMO برابر با ۰/۵۲۱ و مقدار آماره آزمون بارتلت برابر ۷۰۰ / ۰۷ و $P=۰/۰۰۰۰$ به دست آمد.

یافته‌های تحقیق

• یافته‌های توصیفی

جنس: ۱۵۱ نفر با ۳۹/۶ درصد فراوانی مرد و ۲۳۰ نفر با ۶۰/۴ درصد فراوانی زن می‌باشد. سطح تحصیلات: بیشترین فراوانی (۵/۵۲ درصد) مربوط به تحصیلات لیسانس و بالاتر با ۲۰۰ نفر و کمترین فراوانی (۵ درصد) مربوط به تحصیلات راهنمایی با ۱۹ نفر است. وضعیت شغلی: ۱۲۵ نفر با ۳۲/۸ درصد فراوانی بیکار و ۲۵۶ نفر با ۶۷/۲ درصد فراوانی شاغل هستند. مدت عضویت: مدت عضویت ۱۴۴ نفر با ۳۷/۸ درصد فراوانی بین ۵-۱ سال، مدت عضویت ۱۰۴ نفر با ۲۷/۳ درصد فراوانی بین ۱۰-۶ سال، مدت عضویت ۵۰ نفر با ۱۳/۱ درصد فراوانی بین ۱۵-۱۱ سال، مدت عضویت ۱۷ نفر با ۵/۴ درصد فراوانی بین ۲۰-۱۶ سال و مدت عضویت ۶۶ نفر با ۱۷/۳ درصد فراوانی بیشتر از ۲۰ سال است. سن: سن ۹۸ نفر با ۲۵/۷ درصد فراوانی بین ۲۰-۳۰ سال، سن ۱۷۰ نفر با ۴۴/۶ درصد فراوانی بین ۴۰-۳۰ سال، سن ۸۲ نفر با ۲۱/۵ درصد فراوانی بین ۵۰-۴۰ سال، سن ۱۹ نفر با ۷/۶ درصد فراوانی بین ۶۰-۵۰ سال و سن ۲ نفر با ۰/۵ درصد فراوانی بیشتر از ۶۰ سال می‌باشد. حوزه محل سکونت: ۳۲ نفر با ۸/۴ درصد فراوانی در حوزه شمالی، ۲۸۴ نفر با ۵/۷۴ درصد فراوانی در حوزه مرکزی و ۶۵ نفر با ۱۷/۱ درصد فراوانی در حوزه جنوبی ساکنند. محل سکونت: ۳۱۸ نفر با ۵/۸۳ درصد فراوانی در شهر، ۶۳ نفر با ۱۶/۵۵ درصد فراوانی در روستا سکونت دارند. اعتماد اجتماعی: میانگین اعتماد اجتماعی پاسخگویان ۴۱/۴ با انحراف معیار ۲/۷۶ ارزیابی می‌شود.

مشارکت اجتماعی: میانگین مشارکت اجتماعی پاسخگویان ۳۸/۰۴ با انحراف معیار ۳/۱۲ ارزیابی می‌گردد. رفتار دموکراتیک: میانگین رفتار دموکراتیک در بین پاسخگویان ۷۳/۶۶ با انحراف معیار ۱۵/۲۱ است.

• یافته‌های استنباطی

بررسی نتایج آزمون در جدول شماره ۴ نشان داد که متغیرهای مختلف با احتساب سطح معناداری کوچکتر از ۰/۵۰ خطاست و این نشان می‌دهد که متغیرهای ذکر شده از توزیع غیرنرمال برخوردار هستند؛ بنابراین از آنجایی که توزیع داده‌ها غیرنرمال بوده است برای تجزیه و تحلیل آنها از ضریب همبستگی اسپیرمن، کروسکال والیس، خی دو و فریدمن استفاده می‌شود.

جدول (۴). تست نرمالیته داده‌ها

متغیر	k-s	P
رفتار دموکراتیک	۲/۰۱	۰/۰۰۱
اعتماد اجتماعی	۳/۴۵	۰/۰۰۰
مشارکت اجتماعی	۴/۲۳	۰/۰۰۰
جنسیت	۷/۷۰	۰/۰۰۰
تحصیلات	۵/۹۵	۰/۰۰۰
وضعیت شغلی	۸/۳۷	۰/۰۰۰
مدت عضویت	۴/۸۶	۰/۰۰۰
سن	۵/۵۰	۰/۰۰۰
حوزه محل سکونت	۷/۷۷	۰/۰۰۰
محل سکونت	۹/۸۸	۰/۰۰۰

جدول (۵). بررسی رابطه رفتار دموکراتیک در خانواده و جنسیت

نوع آزمون	متغیر وابسته	متغیر مستقل	Df	Chi-Square	P
خی دو	رفتار دموکراتیک در خانواده	جنسیت	۱	۱۶/۳۸	۰/۰۰۰

طبق نتایج به دست آمده از جدول بالا و با توجه به سطح معناداری برآورد شده که از سطح آلفای مورد نظر (۰/۰۱) کمتر است، می توان گفت که بین جنسیت و رفتار دموکراتیک در خانواده اعضای سازمان های مردم نهاد، ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد.

جدول (۶). بررسی رابطه رفتار دموکراتیک در خانواده و تحصیلات

نوع آزمون	متغیر وابسته	متغیر مستقل	R	P
اسپیرمن	رفتار دموکراتیک در خانواده	تحصیلات	* ۰/۱۲۹ -	۰/۰۲۱

** : سطح معناداری ۰/۰۱ * : سطح معناداری ۰/۰۵

طبق نتایج به دست آمده از جدول بالا و با توجه به سطح معناداری برآورد شده که از سطح آلفای مورد نظر (۰/۰۵) کمتر است، می توان گفت که بین تحصیلات و رفتار دموکراتیک در خانواده اعضای سازمان های مردم نهاد، ارتباط منفی و معنادار وجود دارد؛ به عبارت دیگر، هرچه تحصیلات اعضای سازمان های مردم نهاد بیشتر باشد، خشونت های رفتاری (رفتارهای غیردموکراتیک) آنها در خانواده کاهش می یابد.

جدول (۷). بررسی رابطه رفتار دموکراتیک در خانواده و وضعیت شغلی

نوع آزمون	متغیر وابسته	متغیر مستقل	Df	Chi-Square	P
خی دو	رفتار دموکراتیک در خانواده	وضعیت شغلی	۱	۴۵/۰۴	۰/۰۰۰

طبق نتایج به دست آمده از جدول بالا و با توجه به سطوح معناداری برآورد شده که از سطح آلفای مورد نظر (۰/۰۱) کمتر است، می توان گفت که بین وضعیت شغلی و رفتار دموکراتیک در خانواده اعضای سازمان های مردم نهاد، ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد.

جدول (۸). بررسی رابطه رفتار دموکراتیک در خانواده و مدت عضویت

P	Chi-Square	Df	میانگین رتبه‌ای	متغیر مستقل (مدت عضویت)	متغیر وابسته	نوع آزمون
۰/۰۰۱	۱۹/۳۷۲	۴	۰۲/۲۰۸ ۰۸/۲۰۴ ۲۳/۱۸۷ ۵۹/۱۱۹ ۵۲/۱۵۴	۱-۵ سال ۶-۱۰ سال ۱۱-۱۵ سال ۱۶-۲۰ سال ۲۱ سال به بالا	رفتار دموکراتیک در خانواده	کروسکال والیس

طبق نتایج به دست آمده از جدول بالا و با توجه به سطوح معناداری برآورد شده که از سطح آلفای مورد نظر (۰/۰۵) کمتر است، می‌توان گفت که بین مدت عضویت و رفتار دموکراتیک در خانواده اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد، ارتباط معنادار وجود دارد. لازم به ذکر است که میانگین رتبه‌ای رفتار دموکراتیک در بین اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد (۱-۵ ساله) بیشتر از میانگین رتبه‌ای رفتار دموکراتیک در بین اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد سایر گروه‌های سنی مدت زمان عضویت در سازمان‌های مردم‌نهاد می‌باشد.

جدول (۹). بررسی رابطه رفتار دموکراتیک در خانواده و سن

P	Chi-Square	Df	میانگین رتبه‌ای	متغیر مستقل (سن)	متغیر وابسته	نوع آزمون
۰/۰۰۰	۲۰/۷۶۷	۴	۲۲۹ / ۸۵ ۱۸۳ / ۲۶ ۱۷۵ / ۲۰ ۱۶۰ / ۲۱ ۴۰ / ۰۰	۲۰-۳۰ سال ۳۰-۴۰ سال ۴۰-۵۰ سال ۵۰-۶۰ سال ۶۰ سال به بالا	رفتار دموکراتیک در خانواده	کروسکال والیس

طبق نتایج به دست آمده از جدول بالا و با توجه به سطوح معناداری برآورد شده که از سطح آلفای مورد نظر (۰/۰۵) کمتر است، می‌توان گفت که بین سن و رفتار دموکراتیک در خانواده اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد، ارتباط

معنادار وجود دارد. لازم به ذکر است که میانگین رتبه‌ای رفتار دموکراتیک در بین اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد (۲۰-۳۰ ساله) بیشتر از میانگین رتبه‌ای رفتار دموکراتیک در بین اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد سایر گروه‌های سنی است.

جدول (۱۰). بررسی رابطه رفتار دموکراتیک در خانواده و محل سکونت

نوع آزمون	متغیر وابسته	متغیر مستقل	Df	Chi-Square	P
خی‌دو	رفتار دموکراتیک	محل سکونت فعلی	۱	۱۷۰/۶۶	۰/۰۰۰
	در خانواده	حوزه محل سکونت	۲	۲۹۵/۴۲	۰/۰۰۰

طبق نتایج به‌دست‌آمده از جدول بالا و با توجه به سطوح معناداری برآوردشده که از سطح آلفای مورد نظر (۰/۰۱) کمتر است، می‌توان گفت که بین محل سکونت فعلی و حوزه سکونت با رفتار دموکراتیک در خانواده اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد، ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد.

جدول (۱۱). بررسی رابطه رفتار دموکراتیک در خانواده و اعتماد اجتماعی

نوع آزمون	متغیر وابسته	متغیر مستقل	R	P
خی‌دو	رفتار دموکراتیک در خانواده	اعتماد اجتماعی	۰/۱۸۵	۰/۰۰۰

طبق نتایج به‌دست‌آمده از جدول بالا و با توجه به سطوح معناداری برآوردشده که از سطح آلفای مورد نظر (۰/۰۱) کمتر است، می‌توان گفت که بین اعتماد اجتماعی و رفتار دموکراتیک در خانواده اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد، ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد؛ به عبارت دیگر هرچه اعتماد اجتماعی اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد بیشتر باشد؛ خشونت‌های رفتاری (رفتارهای غیردموکراتیک) آنها در خانواده کاهش می‌یابد.

جدول (۱۲). بررسی رابطه رفتار دموکراتیک در خانواده و مشارکت اجتماعی

نوع آزمون	متغیر وابسته	متغیر مستقل	R	P
خی‌دو	رفتار دموکراتیک در خانواده	مشارکت اجتماعی	۰/۲۰۱	۰/۰۰۰

طبق نتایج به دست آمده از جدول بالا و با توجه به سطوح معناداری برآورد ده که از سطح آلفای مورد نظر (۰/۰۱) کمتر است، می توان گفت که بین مشارکت اجتماعی و رفتار دموکراتیک در خانواده اعضای سازمان های مردم نهاد، ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد؛ به عبارت دیگر، هر چه مشارکت اجتماعی اعضای سازمان های مردم نهاد بیشتر باشد؛ رفتارهای دموکراتیک آنها در خانواده افزایش می یابد.

رتبه بندی وضعیت عامل ها

جدول (۱۳). نتایج رتبه بندی متغیرهای پژوهش

P	Chi-Square	Df	اولویت	میانگین رتبه ای	متغیرهای پژوهش
۰/۰۰۰	۱۰۱/۲۵	۷	۱	۶/۴۵	تحصیلات
			۲	۶/۰۵	اعتماد اجتماعی
			۳	۴/۴۰	حوزه محل سکونت
			۴	۴/۳۷	مشارکت اجتماعی
			۵	۴/۱۷	مدت عضویت
			۶	۴/۱۴	سن
			۷	۳/۳۶	وضعیت شغلی
			۸	۳/۳۲	جنسیت
			۹	۲/۱۶	محل سکونت

برای رتبه بندی اهمیت متغیرهای پژوهش از آزمون فریدمن استفاده می شود. طبق نتایج جدول بالا در درجه آزادی $df=7$ که از سطح آلفای مورد نظر (۰/۰۵) کمتر است، می توان گفت که بین عوامل جمعیت شناختی، اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی و رفتار دموکراتیک در خانواده اعضای سازمان های مردم نهاد، ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد؛ بنابراین تحصیلات با میانگین رتبه ای ۶/۴۵ در اولویت اول و محل سکونت با میانگین رتبه ای ۲/۱۶ در اولویت آخر تأثیرگذاری بر رفتار دموکراتیک در خانواده اعضای سازمان های مردم نهاد قرار دارند.

بحث و نتیجه گیری

این تحقیق به منظور بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی با رفتار دموکراتیک اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد در خانواده صورت گرفت و نتایج آن نشان داد که بین متغیرهای جنسیت، وضعیت شغلی، مدت عضویت، سن و خاستگاه (محل سکونت) اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و رفتار دموکراتیک، رابطه مثبت و معنادار و بین متغیر تحصیلات و رفتار دموکراتیک، ارتباط منفی و معناداری وجود دارد. در مدل نهایی تحقیق می‌توان گفت که بین عوامل جمعیت‌شناختی و رفتار دموکراتیک در خانواده اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد که از میان متغیرهای مورد نظر، متغیر تحصیلات با میانگین رتبه‌ای ۶/۴۵ در اولویت اول و متغیر خاستگاه (محل سکونت) با میانگین رتبه‌ای ۲/۱۶ در اولویت آخر تأثیرگذاری بر رفتار دموکراتیک اعضای سازمان‌ها در درون خانواده قرار دارد. نتایج این تحقیق با نتایج مطالعات سیکوگنانی و دیگران (۲۰۱۱)، آندرین (۱۹۸۵)، گمسون (۱۹۸۷)، زارع شاه‌آبادی و نوریان نجف (۱۳۹۱)، کیاکجوری و افراسیابی (۱۳۹۱)، آراسته و رزقی شیرسوار (۱۳۸۸)، رایسر و همکاران (۲۰۰۱)، عباسی اسفجیر و همکاران (۱۳۹۵)، وحید و نیازی (۱۳۸۳)، احمدی آهنگ (۱۳۹۱) اسلانر و براون (۲۰۰۳) همخوانی داشت؛ زیرا آنان نیز به این نتیجه دست یافتند که مشارکت و درگیری سیاسی و اجتماعی جوانان (به‌ویژه در بین دختران) از مشارکت والدین‌شان و مشارکت مدنی و اجتماعی همسالان (به‌ویژه در بین پسران) تأثیر می‌پذیرد. به اعتقاد کالینز اغلب افرادی که در سازمان‌های بیرونی مشارکت دارند و برخی از زنانی که در سازمان‌های مدنی، کلوپ‌ها، کلیساها یا دیگر سازمان‌ها مشارکت فعالی دارند، در خانه نیز از قدرت بیشتری برخوردارند؛ همچنین هرچه سطح تحصیلات اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد بیشتر باشد؛ خشونت‌های رفتاری (رفتارهای غیردموکراتیک) آنها در خانواده کاهش می‌یابد و افراد شاغل نسبت به افراد بیکار فرصت‌ها و موقعیت‌های بیشتری دارند و به لحاظ سلیق و علایق و شرایط و نیازهای‌شان، سبک‌ها و شیوه‌های زندگی متفاوتی را در پیش می‌گیرند. اهمیت جایگاه شغلی تا حدی است که طبقه و جایگاه شغلی نه تنها تعیین‌کننده رفتارها، احساسات، اندیشه‌ها و روابط اجتماعی افراد است؛ بلکه مجموعه شرایط مادی زندگی

و هویت اجتماعی انسان‌ها را رقم می‌زند؛ در نتیجه افرادی که شاغل هستند به این دلیل که دارای موقعیت‌های اجتماعی بیشتری نسبت به افراد غیرشاغل هستند، رفتارهای دموکراتیک بهتری در سطح خانواده و اجتماع دارند؛ به این ترتیب، ارتقای سواد و اشتغال افراد، از عناصر حیاتی در تغییرات اجتماعی است. تجربه نشان داده است افرادی که تجارب بیشتری در انجام فعالیت‌های جمعی و مشارکت‌جویانه دارند و مدت‌زمان بیشتری را صرف امور مردمی و فعالیت در انجمن‌های بشردوستانه می‌کنند، رفتار دموکراتیک بهتری دارند؛ به عبارتی، عضویت در سازمان‌های مردم‌نهاد به دلیل افزایش مشارکت در انجام وظایف و تکالیف باعث بروز رفتار دموکراتیک در خانواده و اجتماع می‌شود. از آنجا که در جوامع جهان سوم که از پتانسیل و ظرفیت تنش‌زای بالایی برخوردارند، ایجاد نهادها و سازمان‌های واسط و مشارکت‌جو مثل تشکل‌های مردمی، سازمان‌ها، انجمن‌ها و احزاب و شوراهای محلی می‌تواند از بروز تضادهای انباشته‌شده و افسارگسیخته در جامعه جلوگیری کند و علاوه بر آن، علاقه و گرایش آحاد جامعه به شرکت در امور سیاسی - اجتماعی را تقویت و از طریق آن تعارضات فشرده و افسارگسیخته را به‌ویژه در میان قشر جوان، مهار و کنترل نمایند. در توجیه این موضوع می‌توان گفت که تحقق دموکراسی در خانواده و جامعه در گرو اقدامات کنشگران و فاعلان آن است که کار می‌طلبند و نه ذهنیت و انتزاع؛ بنابراین در ایران امروز با افزایش سواد و شهرنشینی، اقشار جدیدی در جامعه پدید آمده‌اند که عمدتاً افراد جوان و تحصیلکرده هستند، بر لزوم دموکراسی باور دارند و وجود این افراد که بیشتر از اقشار متوسط جامعه هستند، پتانسیل گرایش به دموکراسی و رفتارهای دموکراتیک را در جامعه ایرانی جدید افزایش داده و انواع بی‌عدالتی‌هایی که در گذشته در حق همدیگر انجام می‌شد تا حد زیادی در بین این قشر کاهش یافته است. امروزه از آنجا که در رفتار دموکراتیک، رابطه میان افراد بر اساس تفاهم است، زندگی شهری نیاز به قوانین، ارتباطات و تعاملات خاص خود دارد که هرگونه وقفه، کوتاهی و نادیده گرفتن قوانین و مقررات و آداب شهرنشینی و عدم رعایت حقوق دیگران، باعث دامن زدن به تنش‌ها، خشونت‌ها و ناملايمات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بسیاری می‌شود. افراد حتی در خانه هم باید با رفتار خود، ملاحظه سایر اعضای خانواده را بکنند و به حقوق همدیگر که همان رفتار دموکراتیک

است، احترام بگذارند؛ اما در روستا در زمان‌های گذشته، به این دلیل که زندگی تابع اصول و سنت‌های قدیمی بود، رفتار دموکراتیک نسبت به زندگی شهری کمتر دیده می‌شد؛ ولی امروزه به لطف برنامه‌های رسانه‌های جمعی بیشتر شده است.

در مجموع در جامعه ایران امروز، مردم گرایش بیشتری به عضویت در سازمان‌های مردم‌نهاد دارند و رفتار دموکراتیک به مشارکت نیز معطوف می‌شود که این امر باعث افزایش اعتماد اجتماعی افراد می‌گردد؛ در این صورت سطح مشارکت اجتماعی آنان ارتقا می‌یابد؛ همچنین هرچه اعتماد تعمیم یافته بیشتر باشد مشارکت مدنی هم بیشتر می‌شود و اعتماد و مشارکت هم بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارند. در خانواده‌های با ساختار متقارن (دموکراتیک)، مشارکت اجتماعی در هر دو بعد عینی و ذهنی رابطه مثبت و معنادار دارد؛ یعنی با افزایش میزان اقتناع‌گرایی خانواده، مشارکت اجتماعی نیز افزایش پیدا می‌کند و با افزایش میزان استبدادگرایی خانواده، میزان مشارکت اجتماعی هم کاهش می‌یابد؛ همچنین دموکراتیک بودن خانواده و نحوه اجتماعی شدن، به ترتیب، بیشترین تأثیر را بر مشارکت اجتماعی دارد.

پیشنهادها

- با توجه به اینکه شناسایی قابلیت‌ها، کارکردها و آسیب‌های سازمان‌های مردم‌نهاد، شناخت عوامل مؤثر در میزان موفقیت و کارایی و اثربخشی این نهادها گامی مؤثر در جهت‌گیری‌های اصلی سمن‌ها خواهد بود؛ لذا پیشنهاد می‌شود که سازمان‌های فرادست، استانداردها، فرمانداری‌ها، بخشداری‌ها و سایر ارگان‌های ذیربط، بودجه کافی را جهت انجام پژوهش‌های تبیینی در سرفصل‌های مربوط برای ارزیابی عملکرد و تقویت فعالیت‌های بشردوستانه این نهادها اختصاص دهند.
- نسبت به هموعان خود احساس تعلق داشتن، عدم قدرت‌طلبی و خودبینی، تحرک و پویایی در مقابله با بی‌عدالتی و کشف راه‌حل خلاق و حفظ آرامش، عدم انزوای طلبی، قانون‌مداری و احترام به قانون، عدم احساس مالکیت نسبت به دیگران از جمله راه‌حل‌های غلبه بر ضعف‌ها و رسیدن به خودکارآمدی بالا است.

- مستند کردن فعالیت‌ها و هرگونه اقدام عملی و تهیه آمار و ارقام صحیح می‌تواند گامی مؤثر در جهت سنجش عملکرد و تقویت این نهاد و ترغیب و تشویق مردم و خیرین جهت فعالیت‌های عام‌المنفعه و خیریه باشد؛ لذا پیشنهاد می‌شود ادارات و ارگانهای صادرکننده مجوز و فرادست، قوانین و برنامه‌هایی را تدوین کنند که سازمان‌های مردم‌نهاد از طریق آن ملزم به مستند کردن فعالیت‌ها و عملکردهای خویش و ایجاد یک سیستم اداری منظم و بایگانی شوند.
- به منظور ترویج رفتارهای دموکراتیک بایستی پیوند عاطفی عمیق بین زوجین و سایر اعضای خانواده برقرار شود و از تعاملات و ارتباطات سازنده با افراد خاص در زندگی فردی استقبال گردد تا افراد از برقراری ارتباط صمیمانه و مثبت، با وجود ارتباط مثبت بین جنسیت و رفتار دموکراتیک در خانواده، احساس آرامش کنند.
- به برگزاری کارگاههای آموزشی و توانمندسازی سمن‌ها و اعضای آنها با توجه به وجود ارتباط معنادار بین سطح تحصیلات و رفتار دموکراتیک در خانواده اقدام شود.
- ایجاد اشتغال‌زایی و لزوم کارآفرینی از طریق تسهیلات اعطایی کم‌بهره و حمایت‌های دولت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه، با عنایت به وجود رابطه مثبت بین وضعیت شغلی و رفتار دموکراتیک در خانواده، مد نظر قرار گیرد.
- با وجود رابطه مثبت بین مدت عضویت و سن افراد در سازمان‌ها و بروز رفتار دموکراتیک و اهمیت طول مدت فعالیت افراد و کسب تجارب ارزنده با بالا رفتن میانگین سنی و طول زمان در سازمان‌ها و تقویت رفتارهای دموکراتیک در خانواده و به منظور افزایش عملکرد مثبت در سازمان‌ها، قرار گرفتن در معرض تجربه‌های موفق و الگوهای مناسب مد نظر قرار گیرد.
- ارتقای سطح زندگی مناطق روستایی و توزیع عادلانه خدمات بین مناطق شهری و روستایی با توجه به وجود رابطه مثبت بین خاستگاه و رفتار دموکراتیک و تفاوت رفتاری بین مناطق شهری و روستایی مد نظر قرار گیرد.

- در راستای بسترسازی برای مشارکت افراد جامعه، جوانان و بخصوص قشر تحصیل کرده در سطوح مختلف مشارکتی، سازمان‌های مردم‌نهاد در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و ... تلاش بیشتری داشته باشند.

- بهبود وضعیت شغلی و رفاهی و در کل وضعیت اقتصادی - اجتماعی افراد جامعه و بخصوص جوانان، باعث مشارکت و در نهایت اعتماد هرچه بیشتر می‌شود. توجه مسئولان رده‌بالا به این امر و تلاش در جهت هرچه کمرنگتر کردن نابرابری‌های اجتماعی از یک سو و ایجاد اطمینان در افراد جامعه، بخصوص قشر جوان و آماده به کار نسبت به برنامه‌ها و سیاست‌های کلان رفاهی، اقتصادی و غیره از سوی دیگر، موجبات این مهم را هرچه بیشتر فراهم می‌کند.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

- آراسته، حمیدرضا و هادی رزقی شیرسوار؛ (۱۳۸۸)، «ارزیابی سطح اعتماد دانشجویان مشغول تحصیل در دانشگاه‌های کشور»، علوم اجتماعی، سال سوم، شماره دوم، صص ۱۱۹-۱۰۳.
- احمدی آهنگ، کاظم؛ (۱۳۹۱)، تأثیر ساختار توزیع قدرت در خانواده بر میزان مشارکت اجتماعی در مناطق روستایی و شهری آمل (مطالعه موردی: شهر آمل)، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
- پاتنام، روبرت؛ (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
- دهقان، علیرضا و غلامرضا غفاری؛ (۱۳۸۴)، «تبیین مشارکت اجتماعی - فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران»، جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۱، صص ۹۸-۶۸.
- ریشه، گی؛ (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه عبدالحسن نیک‌گهر، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- زارع شاه‌آبادی، اکبر و محمد نوریان نجف؛ (۱۳۹۱)، «بررسی اعتماد اجتماعی با مشارکت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه یزد»، جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، شماره اول، صص ۴۷-۶۹.

- ساروخانی، باقر و لیلا دودمان؛ (۱۳۸۹)، «ساختار قدرت در خانواده و تأثیر آن بر مشارکت اجتماعی»، جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۲۹-۱۰۵.
- شارع‌پور، محمود؛ (۱۳۸۰)، «فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن»، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۳، صص ۱۱۲-۱۰۱.
- عباسی اسفنجیر، علی اصغر، غلامرضا خوش‌فر و معصومه شفایی؛ (۱۳۹۵)، «بررسی رابطه ساختار توزیع قدرت در خانواده و مشارکت اجتماعی (مطالعه موردی: شهروندان استان گلستان)»، جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره ۳، شماره ۷، صص ۱۷۹-۱۵۱.
- علی‌پور، پروین، محمدجواد زاهدی و ملیحه شیانی؛ (۱۳۸۸)، «اعتماد و مشارکت (بررسی رابطه اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران)»، جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۲، صص ۱۳۵-۱۰۹.
- فیروزآبادی، سیداحمد و محسن جعفری؛ (۱۳۹۵)، «مطالعه قابلیت سازمان‌های مردم‌نهاد بومی دین‌محور در حل چالش‌های پیش روی توسعه اجتماعی‌محور روستایی (مورد مطالعه: گروه جهادی طلاب عباد)»، الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، دوره ۴، شماره ۷.
- قاسمی، یارمحمد و مریم رضایی؛ (۱۳۹۳)، «نسبیت سرمایه اجتماعی و قانون‌پذیری در آرای سه نسل از شناسان»، توسعه اجتماعی، دوره ۹، شماره ۱.
- قراملکی احد، فرامرزی؛ (۱۳۸۸)، سازمان‌های دفتری و کسب و کار، چ دوم، تهران: مجنون.
- کیاکجوری، سعید و حسین افراسیابی؛ (۱۳۹۱)، «مطالعه اعتماد اجتماعی و عوامل مرتبط با آن در میان دانشجویان»، جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، شماره دوم، ۱۶۵-۱۴۳.
- گیدنز، آنتونی؛ (۱۳۸۰)، جهان رهاشده، ترجمه علی اصغر سعیدی و یوسف حاج عبدالوهاب، تهران: علم و ادب.
- _____؛ (۱۳۸۷)، راه سوم، بازسازی سوسیال دموکراسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: شیرازه.
- موسوی، میرطاهر؛ (۱۳۸۵)، «مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی»، رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۹۲-۶۷.

- میرزایی، ساناز؛ (۱۳۹۵)، «عوامل مؤثر بر رفتارهای دموکراتیک شهروندان»، ششمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی، https://www.civilica.com/Paper-RAFCON06_063.html
- نمازی، حمیدرضا؛ (۱۳۸۶)، عادلانه بودن دستمزد در دوران هخامنشیان، اخلاق حرفه‌ای در تمدن ایران و اسلام، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- وحید، فریدون و محسن نیازی؛ (۱۳۸۳)، «تأملی در مورد رابطه بین ساختار خانواده و مشارکت اجتماعی»، علوم اجتماعی، شماره ۳، صص ۱۴۵-۱۱۷.

ب) انگلیسی

- Andrain Charles. (1985). political lite and social change. Belmont: ca. Duxbury press.
- Cicognani, Lvira, C., Bruna, Z., Bernard, F., Claire, G. (2011). "Gendered differences in youths' political engagement and participation: The role of parents and of adolescents" social and civic participation. Journal of Adolescence, 35 (3), 561-576
- Coltrane, S. L., Collins, R. (2001). Sociology of marriage and the family. 5th Edition, Publisher Eve Howard.
- Gamson. William. A (1987). Power and discontent. Home wood: Ill. Dorsey press.
- Goode, Wiliam (1990). The family, second edition. USA, ING.
- Raiser, M., C. Haerper, T. Nowtny and C. Wallace (2001), "Social Capital in Transition: A First Look at the Evidence", Working Paper No. 61, European Bank for Reconstruction and Development.
- Shah, D.V. (1998), "Civic Engagement, Interpersonal Trust, and Television Use: An Individual-Level Assessment of Social Capital", Political Psychology, Volume 19 (3): 469-496 (28).
- Uslaner, E.M. & M. Brown (2003) "Inequality, Trust and Civic Engagement", American Politics Research, Vol. 31, No. X, pp. 1-27.